



## تصنیف

نوشتا: حسینعلی ملاح، نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

«سلسله مقالات محققانه‌ای که زیر عنوان بالا بنظر خوانندگان ارجمند میرسد سالها پیش ازین، به شکلی فشرده در یکی از مجلات پایتخت بچاپ رسیده است» و اکنون بار دیگر این یادداشت‌ها را با تجدید نظر نویسنده محترم آن و بصورت کامل، در صفحات هفت‌هتر میخوانید»

بطور کلی، تصنیف (صرفنظر از معنای لغوی آن) به کلامی اطلاق میگردد که به نحوی از انحاء با موسیقی همراه باشد، این لفظ را برخی معادل کلمه «ترانه» اختیار کرده‌اند، در صورتیکه ترانه یکی از مشتقات «تصنیف» است که بیش از سایر انواع موسیقی



با کلام در ایران متداول بوده است .

بنابر تعریف فوق ، عناصر عمده « تصنیف » را شعر و موسیقی تشکیل میدهد و چون انواع تصنیف به مقتضای موضوع شعر مشخص میشود ، می باید به تاریخ شعر فارسی و چگونگی انواعی از آن که در طول قرون بوجهی باموسیقی همراه بوده است ، اشاره کنیم

شعر از نظر غرض و مقصود ، به اقسام زیر تقسیم میشود :

توحید ، مدح پیشوایان دینی یا مدح پادشاهان و امیران - تقاضا و استعطاف - رثای افراد و مرثیاتی مذهبی - وصف تصوف و عرفان - شعر اخلاقی ، فلسفی ، روانی - غزل - خمریات - مناظره - حسب حال - حماسه و مفاخره - شکایت و اعتذار - هجا و هزل و غیره .

اما ارسطو در کتاب « فن شعر » ، شعر را به : حماسی ، تراژدی و کمدی تقسیم کرده و ظاهراً شعر غنائی را جزئی از موسیقی دانسته است .

استاد فقید ملك الشعراى بهار نیز ، شعر را به : اخلاقی ، وصفی و روانی تقسیم کرده است .

و در کتاب « گنج سخن »<sup>۱</sup> تألیف دکتر ذبیح الله صفا آمده است که : « ناقدان ادبی ایران در عهد اسلامی و تذکره نویسان فارسی ، معمولاً تاریخ شعر ما را از دوره اسلامی آغاز میکنند و پیش از آن تاریخ شعر ایرانی را سرودها و کلمات و گاه نثری میدانند که با راهها<sup>۲</sup> و آهنگهای موسیقی همراه بود ( نوای خسروانی ) و آنها نیز که خواستند تاریخ شعر فارسی را تا عهد پیش از اسلام بکشانند يك بيت شعر پهلوی<sup>۳</sup> هفت هجائی را که در اوایل دوره اسلامی یا پیشتر از آن به بهرام پنجم ملقب به گور ( ۴۲۰ - ۴۳۸ میلادی )

## کهن ترین پیوند شعر و موسیقی

نسبت داده میشد با گردانیدن آن به پارسی دری و افزایش چند کلمه عربی و فارسی بر آن به صورتهای مختلف عروضی در آوردند .

۱ - ص ۱۴ مقدمه ( چاپ دوم ، سال ۱۳۳۹ )

۲ - راه به معنای مقام ، آوازه یا گوشه ( شعبه ) است - حافظ گوید :

ساقی بدست باش که غم در کمین ماست      مطرب نگاهدار همین ره که میزنی

همچنین بمعنای آهنگ یا نوا نیز آمده است مانند : راه گل - راه خسروانی - راه

خارکش - عطار گوید :

بلبل شوریده میگردید خوش      پیش گل میگفت راه خارکش

۳ - در « المسالك و الممالك » چاپ لیدن ص ۱۱۸ بیت مذکور چنین ثبت شده است :

« منم شیر شنبه      و منم ببریله »



ملك الشعراى بهار ( در شماره نهم سال پنجم مجله مهر ) نوشته است : « اشعار هجائی که قبل از اسلام در ایران رایج بوده است از همان جنس شعری بوده که امروز آن را تصنیف میگوئیم و آن را به اصطلاح بعد از اسلام «قول - ترانه» میگویند و ظن غالب آنست که : سرود یا چکامه شبیه به قصیده بوده و چامه شبیه غزل بوده و ترانه (ترنگ یا ترانگ یا رنگ) شباهت به تصنیف داشته است و گفتن و نواختن آن عام و شنیدن آن خاص طبقات دوم و سوم بوده است .»

« تاریخ شعر در لهجات ایرانی با اوستا خاصه گائاهای شروع میشود - اگر ... تاریخ زندگانی زردشت را بحدود قرن یازدهم پیش از میلاد بالا ببریم، شعر مکتوب آریاییان ایرانی هم از همان تاریخ خواهد بود ،<sup>۲</sup> وجود نظم در گائا مؤید سرود بودن آنهاست ،<sup>۳</sup> بنابراین ، متناسب با انواع شعر ، انواع تصنیف ، از قبیل : سرود ، چامه ، و ترانه ، نیز معمول گردیده است . . . متداول ترین انواع شعری که با موسیقی همراه میشده عبارت بوده اند از :

۱- اشعار هجائی ( سیلابیک Syllabique )

۲- اشعار لهجه‌ای ( اکسان دار یا ریتمیک Rythmique )

۳- اشعار میزانی ( متریک Metrique یا کانتی تاتیف )

\*\*\*

### اشعار هجائی<sup>۴</sup>

بنای کلمات در این اشعار بر هجا نهاده شده است - شاعر چند هجا را در يك پاره از شعر میآورد و ضرورتی ندارد که هجای کوتاه برابر هجای کوتاه و هجای بلند برابر هجای بلند قرار بگیرد ، فقط میباید تعداد هجاهای هر پاره مساوی پاره دیگر باشد مانند نخستین قسمت گائاهای که از قطعات سه مصراعى تشکیل شده و هر مصراع دارای شانزده هجاست - یا قطعه درخت آسوریک که از مصراعهای یازده هجائی تشکیل شده است - یا سرود کرکوی که از مصراعهای شش هجائی ترکیب گشته و مربوط است به دوره ساسانی

!- کلمه گائا Gâtha ( که گاته یا گاتا نیز تلفظ شده است ) به معنی سرود است و این بخش از اوستا ( که خود قسمتی از نسك یسناهاست ) از پنج قسمت تشکیل میشود که بجای خود بدانها اشاره خواهد شد .

۲ و ۳ - مقدمه گنج سخن تألیف دکتر صفا

۴- شعر مجموعه کلماتی است که به ترتیب خاصی در پی یکدیگر قرار میگیرد - کلمه، خود از يك یا چند واحد صوت بوجود میآید و این واحدها در اصطلاح ، مقطع یا هجا ( یعنی سیلاب ) خوانده میشود - يك سیلاب متحرك و يك ساكن ، هجای کوتاه و يك سیلاب متحرك و دو ساكن هجای بلند را تشکیل میدهند .



اشعار هجائی تاپیش از اسلام در ایران رواج بسیار داشته است و نواسازان و سرایندگان بیشتر آثار خود را در این زمینه و قالب بوجود آورده اند، لیکن بعد از اسلام به سبب ورود در حصار اشکال اشعار میزانی، و انقیاد در دایره و زندهای عروضی، چنبر حاصل بخشی شاعران و نواسازان، رفته رفته تنگ شده تا آنجا که اگر تعزیه خوانی و مناقب خوانی<sup>۱</sup> و مثنوی خوانی را ندیده بگیریم، می باید گفت که تقریباً راه تباهی پیش گرفت . . . فقط در پنجاه سال اخیر، به جهاتی که ذکر خواهد شد دوباره ساختن ترانه معمول گشت و طالبان و خواستاران بیشماری پیدا کرد.

محققان را اعتقاد بر آن است که: اشعار هجائی مناسب ترین نوع شعری بوده است که شاعران و موسیقی دانان میتوانند آنرا اندیشه های خود را بوسیله آن ابراز بدارند **باربد**<sup>۲</sup> اگر میخواست در حصار بحرهای عروضی و یکنواخت بودن وزن، هنر خود را به پادشاه زمان خویش عرضه بدارد، هرگز قطعه «داد آفرید» یا «سبز درسبز» او نمی توانست سبب برانگیختن مهر خسرو پرویز نسبت به وی گردد و یا اگر میخواست ماجرای «گنج بادآورد»<sup>۳</sup> را که قصه ای دراز دارد با وزندهای یکنواخت و مکرر شعر عروضی در میان بنهد، بی گمان سبب ملالت خاطر و لینعمت خود میگشت . . . بهمین گونه است آثار دیگر او مانند «مرگ شبدیز»<sup>۴</sup> و «گنج گاو»<sup>۵</sup> که بی گمان همه قطعاتی غنائی و توصیفی بوده اند و با تصنیفهای امروز (که حداکثر از هفت یا هشت بیت تجاوز نمیکنند) تفاوت کلی داشته اند.

۱- در قرن ششم هجری دسته ای خاص بنام مناقب خوانان یا مناقبیان سرگرم کار بودند کار این دسته آن بود که قصاید و اشعاری در ذکر مناقب امامان شیعه به آواز میخواندند. (گنج سخن تألیف دکتر صفا)

۲- باربد موسیقی دان دربار خسرو پرویز ساسانی، شعر نیکو میگفته و نوا خوش میساخته و آوازی مطلوب داشته و در نواختن بر بطن (رود) چیره دست بوده است - گویند: این هنرمند جهت تشرف بحضور پادشاه نیرنگی بکار بسته به دستگیری باغبان دربار، در لباسی سبزرنگ بر درختی پرشاخ و برگ رفته و ترانه «سبز درسبز» را سروده است، شاه از مهارت او در خوانندگی و نوازندگی در شکفت شده و بمقام خنیاگری دربار خویشتن مفتخرش ساخته است. فردوسی همین مطلب را چنین بنظم آورده است:

زنده بدان سرو برداشت رود	همان ساخته خسروانی سرود
یکی نغز دستان بزد بر درخت	کز آن خیره شد مرد بیدار بخت
سرودی به آواز خوش بر کشید	که اکنونش خوانی تو «داد آفرید»

۳- گنج بادآورد، داستان سفاینی است مملو از سکه های طلا و سنگهای گرانبها که باد آنها را به سواحل کشور ایران آورده است این مال کثیر را به تیسفون فرستادند و بنام گنج بادآورده موسوم شد.

۴ و ۵ - باربد بمناسبت مرگ شبدیز (اسب مورد علاقه خسرو پرویز) تصنیفی ساخته است گنج گاو نیز ماجرای پیدا شدن گنج است بهنگامی که يك روستائی با گاو خود زمین را شخم میزد.



## ۲- اشعار لهجه‌ای<sup>۱</sup>

این اشعار گفتاری بوده که بیشتر جنبه روستائی و عامیانه داشته و در حقیقت بنای ترانه‌های محلی بر روی آنها نهاده شده است - این اشعار موزون و احتمالاً مقفی هستند .

## ۳- اشعار میزانی

اشعار میزانی که غربیان آن را «کانتی تاتیف» می‌گویند ، اییاتی است که بعد از اسلام در ایران تحت قواعد و اصولی بنام عروض و قافیه سروده شده است و ابداع این نوع شعر هنوز هم متداول است .

این شیوه که خود انواع گوناگون دارد واجد وزنه‌های متعددی نیز هست . ( در برگ‌های آینده در این باره سخن خواهد رفت ) فعلاً ما به فرم یا قالب این قبیل اشعار نظری نداریم فقط از محتوای آنها بهره میگیریم، یعنی به معنای شعر و هدف و مقصود سازنده اییات اهمیت بیشتری میدهم .

بربنیاد تقسیمات فوق که مشمول انواع شعر میگردد ، اقسام تصنیف‌ها نیز مشخص میشود... پیش از آنکه به تقسیم و تفکیک و تعریف چگونگی تصنیف‌ها بپردازیم ضرورت دارد قول یکی از متقدمان را در این باره نقل کنیم تا شاید معیار روشنتری برای گفتار آینده خود داشته باشیم .

عنصرالمعالی امیر کیکاوس بن اسکندر ، در باب سی و هشتم کتاب قابوسنامه<sup>۲</sup> ، در آداب خنیاگری ، آیین این فن را چنانکه مرسوم بوده یا از اسلاف خود بیاد داشته نوشته است - نقل عبارت وی در این مقام خالی از فایده نیست :

«... اول داستان<sup>۳</sup> خسروانی زنند و این از بهر مجلس ملوک ساخته‌اند ، و بعد از آن ، طریق‌ها<sup>۴</sup> بروزن گران<sup>۵</sup> نهاده‌اند ، چنانکه بدو<sup>۶</sup> سرود ، توان گفتن و آن را «راه» نام کرده‌اند و آن «راهی» بود که به طبع پیران و خداوندان جد نزدیک بود ،

۱ - مراد از اشعار لهجه‌ای یا «آکسان دار» که غربیان آن را «ریتمیک» نیز گویند ، تأکیدها و تکیه‌هایی است که در هر زبانی بوجه خاص هنگام تکلم یا تغنی روی بعضی از هجاها یا حروف می‌افتد ، در اشعار لهجه‌ای وقتی این تکیه‌ها مقارن واقع میشوند موجب ایجاد وزن یا حالتی خاص میگردد که مطلوب است - در زبانهای بیگانه به مقتضای سنت زبان ، تکیه‌ها و تأکیدها روی یکی از سیلابهای کلمه می‌افتد ، هر گاه تقابل و تقارن این آکسانها در شعری رعایت شود آن را ریتمیک یا آکسان دار گویند - در فارسی عموماً آکسانها به حرف اول یا وسط الفاظ می‌افتد چنانکه در این ترانه می‌بینیم هی بینا بینا - اری نازارم بینا - ار دوستم دیری - اری شب نیلم تنها

۲ - قابوسنامه در اواخر قرن پنجم هجری برشته تحریر درآمده است .

۳ - داستان بمعنی پرده و نوا باشد .

۴ - طریق ، واژه تازی راه است . رک به راه .

۵ - گران بمعنای سنگین و فراخ است و در موسیقی وزنی را گویند که نزدیک به

Lento یا Largo باشد .



و آنگاه چون دیدند که خلق همه پیر و اهل جد نمی باشند ، گفتند : این از بهر پیران و طریقی نهاده اند از بهرجوانان ، پس بجستند و شعرها که به وزن «سبکتر» بود بروی راههای سبک ساختند و «خفیف»<sup>۱</sup> نام کردند تا از پس هر راهی «گران» از این «خفیفی» بزنند ، گفتند : تا در هر نوبتی مطابق ، هم پیران را نصیب باشد و هم جوانان را . پس کودکان و زنان و مردان لطیف طبع نیز بی بهره نباشند تا آنگاه «ترانه» گفتن پدید آمد این ترانه را نصیب این قوم کردند تا این قوم نیز راحت یابند ولذت ، از آنک ازوزنها هیچ وزنی لطیف تر از وزن «ترانه» نیست ...»

با ملاحظه تقسیمات فوق و مطالب یادشده ، تصنیفها را به سه نوع مشخص میسازیم  
سرود - چامه - ترانه .

- ۱ - خفیف وزن معتدل را گویند که در موسیقی نزدیک است به *Andante* یا *Moderato*
- ۲ - کلمه نوبت در موسیقی به دو معناست - یکی به نوعی موسیقی اطلاق میشده که جنبه اعلام خبر داشته و معمولا در ارگهای سلطنتی نواخته میشده است - مینویسند ، که در زمان سلطان سنجر پنج نوبت مینواختند و نوازندگان این نوع موسیقی را «نوبتی» میگفتند - نوع دیگر گونه ایست از انواع تصنیف - خواجه عبدالقادر مراغی (در مقاصد الالحن ص ۱۰۳) نوشته است : «بباید دانست که اعظم و اشکل تصانیف ، نوبت مرتب است و قدما آنرا چهار قطعه ساخته اند: قطعه اول را قول گویند و آن بر شعر عربی باشد - قطعه ثانی را غزل و آن بر ابیات پارسی بود - قطعه ثالث را ترانه و آن بر بحر باعی باشد - و قطعه رابع را فروداشت و آن مثل قول باشد.»

